

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد همه سر به سر تن به کشتن دهیم  
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

## به سلسله نشر مقالات سابق

(مقاله هژدهم)

دیلوم انجنیر خلیل الله معروفی  
برلین، ۱۴ مارچ ۲۰۰۸

## دارد اثری آه سحری

"یای معروف" و "یای مجهول"

(وجوه تمایز و تفارق "فارسی ایران" و "دری افغانستان")

بعد از اینکه یکی دو هفته پیش "بیگانه پرستان" خرد و کلان و پیدا - و تا آن زمان پنهان - بخاطر چند کلمه هیاهو و همه‌برپا کردند و پس از آنکه خواستند از یک موضوع ناچیز به نفع سیاست شوونیستی رژیم جمهوری اسلامی ایران سود بردارند، عزم جزم کردم، تا بررسی «وجوه تمایز و تفارق "فارسی ایران" و "دری افغانستان"» را به صورت تحلیلی و با ارائه امثله و تشریحات فراوان، با شدت بیشتر دنبال کنم. من تاکنون لااقل ده مقاله در زمینه تقدیم کرده و افتراقات خرد و بزرگ هر دو لهجه را برملا ساخته‌ام. (این مقالات به مانند سایر مقالاتم، همه به صورت دوامدار در آرشیف بنده در پورتال "افغان جرمن آنلاین" قابل دریافت می‌باشند).  
بحث کنونی دنباله مقاله ایست که ماهها پیش زیر عنوان "یای مجهول و او مجهول" تقدیم گردیده بود و در آن چنین میخوانیم:

«در این قسمت باز گوشه ای دیگر از تفاوت‌های "دری افغانستان" و "فارسی ایران" نشان داده میشود. هدف از ارائه این سلسله رد ادعای سست بنیاد کسانیت، که میگویند "فارسی فارسیست، در هر کجا که باشد." این سلسله ادامه دارد و ضمن هر بخش، قسمتی از این تفاوت‌ها مجسم ساخته میشود. بدون تردید، وقتی این گفتار که دنبال کردنش مدت مدیدی را در بر خواهد گرفت، به آخر برسد، مجموعه ای بدست خواهد آمد، گویا و همه فهم که در کلیت خود پیکره هر دو لهجه فارسی دری را مجسم خواهد کرد؛ و مجسم خواهد کرد، که "دری افغانستان" تا چه حد وفادار به اصل مانده است.

در این بخش گذری میکنیم به "دو یاء" و "دو واو"؛ یکی معروف و دیگری مجهول. چنان که می‌دانیم، در زبان "دری افغانستان" دو قسم "یاء" و دو قسم "واو" داریم؛ "یای معروف و مجهول" و "واو معروف و مجهول".

- "یای معروف" مثلاً در کلمات "تیر، امیر، خمیر، حقیر، عمید، جبین، تولید، توحید، بیم، ریم، ندیم، نسیم، شمیم، یتیم، عندلیب، عید، دید، پلید، رسید، کشید، نالید، رمید، جوید، شنید، سی، سهی، تهی، کریم، رحیم، رحیم، عظیم، لئیم، کتیف، شریف، نجیب و غیره"

- "یای مجهول" مثلاً در کلمات "پنیر، شیوه، میوه، خبوه، دیو، سیب، اوریب، ریسمن، پشیمان، بید، سفید، امید، بیمار، بیدرد، بی غیرت، بیراه، بی رقم، بیغم، تیغ، میغ، ستیغ، دریغ و غیره".

- "واو معروف" مثلاً در کلمات "غول، زود، بوت، توت، خوب، ایوب، بروت، قروت، جالوت، فانوس، آبنوس، پنتوس، روس، چلوس، جلوس، عبوس، عروس، دیوث، سالوس، فاروق، ولوع، جنون، کنون، روح، نوح، قاموس، جاسوس و غیره".

- "واو مجهول" مثلاً در کلمات "جوی، روی، بوی، سوی، روباه، بویا، پویا، گویا، جویا، رویا، هنوز،

روز، تنور، شوخ، دوغ، دروغ، کوچ، انبوه، اندوه، ترسندوک، زردنیوک، لافوک، جوش، خروش، خاموش، دوش، سروش، و غیره".

هر دو قسم "یاء" و "واو" در روزگاران قدیم در زبان "فارسی دری" رایج بوده، که خوشبختانه به عین شکل تا به امروز نیز در "دری افغانستان" پابرجا مانده اند. اما در زبان "فارسی امروز" ایران - و خصوصاً در زبان معیاری آن - تنها "یاء" و "واو معروف" وجود دارند و از "یاء" و "واو مجهول" اثری نمانده. در ایران همان حیوان درنده ای را که گویا پادشاه جانوران خوانده شده، هم "شیر" می نامند و نیز آن مایع سفیدی را که از پستان پستانداران بدر میشود. ایرانیان هم همان نبات معروف را که "برادر پیاز" است "سیر" تلفظ میکنند و نیز لغت "سیر" را که مقابل "گرسنه" است. \*

خواستیم که به خاطر رفع خستگی و بر سیل تقنن و هواخوری سیری در "یوتوب" کرده و از موسیقی لذت ببریم. مسحور غزل های "ملکه غزل" و به گفته ای "شاهنشاہ غزلخوانی هندوستان"، مرحوم اختری بانی "فیض آبادی" - مشهور به "بیگم اختر" - گردیده بودم، که یک غزل شیر و شکر (اردو - دری) او را یافته و به ترکیب زیبایی "دارد اثری آه سحری" رسیدم. این مصراع زیبا را که الهام بخش انتخاب عنوان این مقال گردید، بهانه ساخته و میروم بسوی مسیری که به هدف رهنمون میگردد. چون نمی خواهم این لذت تنها در انحصار من باشد، لینک غزل را از "یوتوب" بیرون کشیده و تقدیم خواننده ارجمند میکنم، باشد که آن را با یک کلیک باز کرده بشنود و در پرتو انبساطی که امید است برایش دست بدهد، موضوع خسته کن این مضمون را دمی فراموش نماید.

<http://www.youtube.com/watch?v=YLMLufbYEOY>

فکر کنم که غزل از مرحوم میرزا غالب است، که به اردو و دری شعر می سروده و اندرین باب فراوان سروده و بس نغز سروده.

وقتی از "آه سحری" ذکر می آید - خواه با "یای معروف" و یا "یای مجهول" - کدام طفره روی نیست و مراد از این نیست که کسی از دردمندان وطن سحرگهان برخیزد و پس از ادای "دوگانه" به درگاه "یگانه" آهی بکشد و دعائی بکند. این را هم نمی دانیم که آه مظلومان، چه بسا صباح و مسا به گردون رود و دامان قاتلان و جنایت گستران را گیرد؛ که به فرموده حضرت حافظ شیرازی:

رقیب آزارها فرمود و جای آشتی نگذاشت  
مگر آه سحر خیزان سوی گردون نخواهد شد؟؟؟

خواننده ارجمند هموطن من به سهولت فرق "سحری" را در مصراع میرزا غالب و مصراع حافظ شیرازی که فرماید "به عنر نیمه شبی کوش و گریه سحری" به خوبی درخواهد یافت. اما مطمئن نیستم که برادران ایرانی ما نیز این تفاوت را در تلفظ درست اداء کرده بتوانند، چون از زبان دری آن سامان "یای مجهول" رخت بر بسته و به اصطلاح کابلیان "فرار ملک ها" گردیده است.

در عنوان "اثر" و "سحر" با "یای نکره" پیوند خورده اند، که عبارت از "یای مجهول" است. "آه سحری" یعنی "آهی که در یک سحر نامعلوم برخیزد"، "آن آه سحر"، که به ما معلوم نیست. این ترکیب نباید با "آه سحری" (با یای معروف) مغالطه گردد، که مراد از "آهی باشد که سحرگهان، از دل سوخته ای بدر آید".

در گذشته های نچندان دور در ماشین های تایپ دری علامات خاصی برای هر دو "ی" سراغ میگردید: "یای مجهول" یائی بود با دو نقطه "زیر به زیر"، در حالی که "یای معروف" با دو نقطه "پهلوی به پهلوی" نشان داده میشد. این رسم الخط را در تحریر نیز مراعات میکردند. فائده این طرز نوشته این بود، که هر مبتدی و اجد خوان زبان دری میتواند یای معروف و یای مجهول را در کلمات درست تلفظ کرده و از همدیگر تمییز کند؛ چنانکه در گفتار همی کند. با شیوع فارسی ایران در افغانستان این شیوه متأسفانه متروک گردید و نسل امروزی شاید اصلاً نشنیده باشد که در گذشته چنین ظرافتی در رسم الخط دری مراعات میگردید. رسم الخط زبان ارجمند پشتو که "یاء" های متنوع دارد، این باریکی را کاملاً مراعات مینماید.

آرزو مندم که وقتی هموطنان ارجمند ما در بازار سافت ویر نقشی در تعیین رسم الخط زبان خود پیدا کردند، به این نکته توجه جدی فرموده و علامات مرده هر دو "یاء" را دوباره زنده بسازند. نحوه دری افغانستان با تمام کیف و کان و ممیزاتش، جزئی از سرمایه های فرهنگی زبان ماست و باید در حراست و حفاظتش از دل و جان کوشید!!!!

\* - این مقاله بتاريخ دوم اکتوبر ۲۰۰۷ در پورتال عظیم و راست قامت "افغان جرمن آنلاین" تقدیم گردیده بود که مانند همه مقالات دیگر مدام در آرشیف بنده قابل مطالعه است.